

## بررسی چگونگی جو حاکم بر روابط خواهر- برادری فرزندان خانواده‌های استان اصفهان

نویسندگان: دکتر مهدی سبحانی نژاد<sup>۱\*</sup> و نقی رعدی افسوران<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

۲. کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز

\*Email: sobhaninejad@shahed.ac.ir

● دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۱

● پذیرش مقاله: ۸۹/۷/۲۰

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی جو حاکم بر روابط خواهر- برادری فرزندان خانواده‌های استان اصفهان، پرداخته است. روش انجام پژوهش توصیفی و جامعه آماری نیز شامل کلیه فرزندان مجرد ۱۵ الی ۲۵ ساله استان اصفهان، بوده است. به منظور نمونه‌گیری، پس از برآورد آماری و مشخص شدن تعداد نمونه مورد نیاز، تعداد ۲۲۰ واحد خانواده از کل استان با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و نمونه مورد نیاز از بین فرزندان مجرد آن خانواده‌ها، انتخاب شده‌اند. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه سنجش روابط خواهر- برادری (IBR) بوده که توسط والتر، هورسون، گورون، مک نیل، بی‌ایبرکسی و سپس والمیر (به نقل از هادسون، ۱۹۹۲) تهیه و در تحقیقات پیشین از روایی و اعتبار مطلوب، برخوردار بوده است. به منظور تحلیل آماری داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی از جمله: نقطه برش، آزمون «t» مقایسه میانگین دو گروه مستقل و آزمون «F» تحلیل واریانس تک متغیری استفاده شد. عمده‌ترین یافته‌های پژوهش عبارتند از: ۴۷/۸٪ از فرزندان خانواده‌های استان اصفهان، جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خود را مطلوب، توصیف ننموده‌اند. «t» محاسبه شده در سطح  $P \leq 0/05$  مبین وجود تفاوت معنادار بین جو خواهر- برادری ارزیابی شده توسط دختران و پسران بوده است. پسران بیش از دختران جو حاکم بر روابط خواهر- برادری را نامطلوب توصیف نموده و این تفاوت به لحاظ آماری نیز معنادار بوده است. «F» محاسبه شده در سطح  $P \leq 0/05$  مبین وجود تفاوت معنادار بین اظهارات فرزندان خانواده‌ها در خصوص جو حاکم بر روابط خواهر- برادری برحسب متغیر محل زندگی آنان، نبوده است. «F» محاسبه شده در سطح  $P \leq 0/05$  مبین وجود تفاوت معنادار بین اظهارات فرزندان خانواده‌ها در خصوص جو حاکم بر روابط خواهر- برادری برحسب متغیر سن، بوده است.

کلید واژه‌ها: جو خانوادگی، روابط خواهر- برادری، فرزندان، استان اصفهان.

Scientific-Research Journal  
of Shahed University  
Seventeenth Year,  
No.45  
Feb.-Mar. 2011  
Education and Society

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال هفدهم - دوره جدید

شماره ۴۵

اسفند ۱۳۸۹

## مقدمه

خانواده اصیل‌ترین نهاد اجتماعی است که با پیمان ازدواج زن و مردی هوشمند، آگاه، برخوردار از بلوغ فکری و قابلیت اجتماعی پایه‌گذاری می‌شود. سلامت و سعادت جامعه به پویایی نظام خانواده وابسته است و سلامت، تعادل و تعالی نظام خانواده نیز به کیفیت روابط زن و شوهر و والدین و فرزندان بستگی دارد. در مکتب تربیتی اسلام در خصوص جایگاه والای خانواده در تحکیم اعتقادات، باورها و ارزش‌های فرزندان و جامعه مباحث قابل توجهی آمده است [۱].

خانواده طبیعی‌ترین و مشروع‌ترین واحد تولید مثل و فراگیرترین واحد اجتماعی جوامع به شمار می‌آید. خانواده اهمیت تربیتی و اجتماعی داشته زیرا همه اعضای جامعه به نوعی تحت سیطره طبیعی خانواده خواهند بود. افراد از سوی خانواده و در خانواده پا به هستی می‌گذارند و جامعه از تشکل آنان قوام می‌یابد. نهاد خانواده، مولد نیروی انسانی و معبر سایر نهادهای اجتماعی است بنابراین می‌توان آن را یکی از نهادهای اصلی جامعه به شمار آورد. بهنجاری یا نابهنجاری جامعه در گرو شرایط عمومی خانواده است و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید. به همین ترتیب هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند، ادعای سلامت کند مگر آن‌که از خانواده‌های سالم برخوردار باشد [۲].

محیط خانه اولین عامل مؤثر بر رشد شخصیت افراد است. کودک خصوصیتی را از والدین به ارث می‌برد اما نقش والدین در رشد کودک تنها به جنبه ارثی محدود نیست. ایده‌آل‌ها و آرزوهای والدین، میزان رضایت آن‌ها از روابط زناشویی و سبک فرزندپروری اتخاذ شده از جانب والدین، همگی بر شکل‌دهی رفتار کودک و سلامت روانی او نقش به‌سزا خواهند داشت [۳].

جیمرسن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) [۴] معتقدند؛ رفتار تحت تأثیر زمینه‌های خانوادگی و فرایند رشد فردی

<sup>۱</sup> Jimerson & et al.

شکل می‌پذیرد. خانواده می‌تواند در شکل‌گیری فضای مطلوب و یا نامطلوب حاکم بر خانه مؤثر باشد. شرایط، موقعیت‌ها، زمینه‌های خانوادگی، تاریخچه رشد، کیفیت تربیت و نوع روابط کودک با والدین و دیگر اعضای خانواده، می‌تواند بر رفتار آینده فرد تأثیر قابل توجه داشته باشد.

هلونینگ و جاسیوبدزکا<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) [۵] معتقدند؛ روابط حاکم بین اعضای خانواده در سه بعد قابل بررسی است. اولین بعد به نوع ارتباط زن و شوهر مربوط می‌شود، هر چقدر روابط زوجین با یکدیگر صمیمی و دوستانه باشد در ایجاد فضای سالم خانوادگی مؤثر خواهد بود. دومین بعد به روابط والدین و فرزندان مربوط خواهد شد که به تبع روابط والدین با یکدیگر، نوع روابط فرزندان نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. ارتباط همراه با محبت و پذیرش والدین می‌تواند فرزندان را به خانواده پای بندتر نماید. سومین بعد از روابط مذکور، روابط بین فرزندان با یکدیگر است. اگر فرزندان احساس کمبود محبت، عدم پذیرش و تبعیض بین خود را از سوی والدین تجربه نموده باشند، این امر می‌تواند روابط سالم بین آنان را برهم زده و موجب تضاد و درگیری شود.

کیلن و تاریل<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) [۶] معتقدند؛ رقابتی که فرزندان برای دریافت محبت، توجه و علاقه والدین، نشان می‌دهند می‌تواند موجب حسادت بین آن‌ها شده و متعاقباً تنش و اضطراب را در خانواده به وجود آورد.

تسلا و دان<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) [۷] و وندل و بیلی<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) [۸] اذعان داشته‌اند از آنجا که فرزندان مدت زمان زیادی را با یکدیگر می‌گذرانند، کراراً با یکدیگر اختلاف پیدا نموده و البته در این ارتباط، تضاد بین منافع از عوامل اساسی به وجود آمدن عدم تفاهم بین آن‌ها خواهد بود.

براون<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) [۹] و شانتز و هوبارت<sup>۷</sup> (۱۹۸۹) [۱۰] معتقدند؛ بسیاری از این تضادها می‌تواند با بحث و

<sup>۲</sup> Helwig & Jasiobedzka

<sup>۳</sup> Killen & Turiel

<sup>۴</sup> Tesla & Dunn

<sup>۵</sup> Vandell & Bailey

<sup>۶</sup> Brown

<sup>۷</sup> Shants & Hobart

و با ملایمت و بدور از اجبار، تندی و خشونت باشد. قرآن مجید در این باره می‌فرماید و جعل بینکم موده و رحمه (سوره روم، آیه ۲۰) خداوند بین اعضای خانواده دوستی و شفقت قرار داد. رابطه خانوادگی باید بر مبنای عطوفت و محبت باشد و همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: باید بزرگترها نسبت به کوچکترها مهربان باشند و کوچکترها احترام بزرگترها را نگه دارند [۱۸].

در خصوص روابط بین فرزندان دختر و پسر باید حد و مرزهایی برقرار شود. زیر منظومه دختران و پسران هریک به فضای روانی اختصاصی نیازمند است. لازم هست محیط خواب و استراحت والدین و فرزندان، دختر و پسر و نیز برادران از هم جدا باشد. افزون بر این، نوع مراوده‌ها و تماس‌های خواهر و برادر در سن نوجوانی باید حدود و قیودی داشته باشد. تا زمینه هرگونه انحراف رفتاری از بین برود [۱۹]. در این زمینه پیامبر (ص) توصیه می‌کنند؛ موقعی که فرزندان شما هفت ساله شدند بستر خواب شان را از دیگر جدا کنید [۲۰].

در آیین اسلام، نکاتی درباره روابط خواهری و برادری بچشم می‌خورده که بیش‌تر متناسب با روابط آنها در بزرگسالی است. هرچند برای درونی سازی روابط به صورت آنچه اسلام در نظر دارد، باید افراد را از کودکی با این امور آشنا کرد. روابط خواهران و برادران در بزرگسالی تحت عنوان صله رحم بیان می‌شود، این روابط باید همواره حمایت عاطفی و روانی و حمایت مادی خواهران و برادران نسبت به هم را تامین کند که این به آرامش روانی اعضا منجر خواهد شد [۱۹].

بارنت و دیگران<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) [۲۱] طبق نظریه یادگیری اجتماعی بیان داشته اند؛ انسان از طریق مشاهده رفتارهای دیگران و الگوگیری از آنچه می‌بیند رفتارهای اجتماعی خود را شکل می‌دهد. در این ارتباط به نظر می‌رسد، خشونت خانوادگی، طبق نظریه یادگیری اجتماعی قابل پیش‌بینی باشد.

گفتگو حل شده ولی متأسفانه به علت تکرار این گونه رفتارها (حداقل تا پایان دوره نوجوانی) تضادهای مذکور در بین آنها تثبیت و توسعه نیز می‌یابند.

مک گیلیسودی-دلیسی<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) [۱۱]، سیدی کوئی و راس<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) [۱۲]، سلومکوفسکی و دان<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) [۱۳] و سلمن و همکاران<sup>۴</sup> (۱۹۸۳) [۱۴] بیان داشته‌اند از جمله رفتارهایی که در این گونه تضادها بوجود می‌آید، عصبانیت زود هنگام است که اگر کنترل نشود، تنش‌های خانوادگی را بیش از پیش توسعه می‌دهد.

والدین در پی ایجاد و گسترش درگیری بین فرزندان خود نمی‌باشند ولی چه بسا، گاهی مواقع بدون اطلاع از رفتار خود به گونه‌ای با فرزندان رفتار می‌کنند که آنان احساس تبعیض نموده و همین امر می‌تواند، شروعی برای اختلافات بین آنان گردد.

رام و راس<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) [۱۵] در این زمینه اظهار داشته‌اند؛ رفتارهایی چون تفاوت‌گذاری در میزان پذیرش فرزندان، حمایت و جانبداری در هنگام نزاع، محکوم نمودن یکی، به رخ کشیدن رفتارهای یک فرزند، توجه و محبت بیش‌تر و پیروی از گفته‌های یکی از آنان و هم چنین حمایت‌های مالی بیش‌تر از یک فرزند خاص، می‌تواند احساس تبعیض را در فرزندان بوجود آورده و موجب افزایش درگیری‌ها بین آنان شود.

تفاوت‌هایی که والدین بین اعضای خانواده می‌گذارند باعث می‌شود که روابط درون خانواده تحت الشعاع قرار گیرد و بهداشت روانی خانواده و فرد به خطر بیافتد به طوری که ممکن است اعضای خانواده برای بدست آوردن جایگاه و موقعیت خود دست به رفتاری‌های نابهنجار بزنند [۱۶].

در تعالیم اسلامی از غیرت افراطی مرد که به تحدید غیرمنطقی روابط اعضای خانواده منجر می‌شود، بعنوان عامل اختلال سلامت روانی افراد تلقی شده است [۱۷]. از منظر اسلام، تعامل والدین و فرزندان باید عادلانه

<sup>1</sup> Mc Gillicuddy-De Lisi

<sup>2</sup> Siddiqui & Ross

<sup>3</sup> Slomkowski & Dunn

<sup>4</sup> Selman & et al.

<sup>5</sup> Ram & Ross

<sup>6</sup> Barnett & et al.

قائمی (۱۳۷۴) [۲۲] معتقد است محیط خانواده‌ای که دائماً دعوا، نزاع و اختلاف باشد و همچنین در محیطی که اخلاق و رفتار الگوها طوفانی باشد، کودکان نمی‌توانند رفتار آرام و بدون دردسر داشته باشند زیرا آن‌ها همواره در صدد تعیین راه و روشهایی خواهند بود که عقده‌های حاصله را فرو ریزند و خود را از چنان وضع و حالتی برهانند.

استونس<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) به تأثیر سازگاری ضعیف والدین و رفتارهای منحرفانه فرزندان می‌پردازد به اعتقاد او تضادها و نزاع‌های بین والدین و یا والدین با فرزندان به‌طور قوی با فعالیت‌های منحرفانه بچه‌ها ارتباط می‌یابد. می‌توان گفت که ناسازگاری بین والدین تأثیر قوی بر فرایند اجتماعی شدن فرزندان نسبت به متغیرهای دیگر دارد. بنابراین پیش‌بینی می‌گردد که نزاع‌های بین والدین به رفتارهای منحرفانه و خشن در آیند [۲۳].

بر این اساس والدین مسئولیت مهمی در تربیت فرزندان بر عهده دارند. اما آن‌ها در صورتی می‌توانند الگوی سازنده، رشد دهنده و مناسب برای فرزندان خود باشند که برای این کار آماده شده باشند. امام کاظم (ع) در این خصوص می‌فرماید: "یحفظ الاطفال بصلاح آبائهم" رفتار کودکان در اثر رفتار درست والدین محفوظ می‌ماند. امام سجاده (ع) می‌فرماید؛ حق فرزند بر تو (پدر) این است که بدانی او از تو و پیوسته به تو در خیر و شر دنیا تبعیت می‌کند و تو مسئول او از لحاظ نیک ادب کردن و راهنمایی به پروردگارش و کمک به اطاعت او هستی. پس عمل تو درباره او مانند عمل کسی باشد که می‌داند در احسان به او دارای وظیفه است و در مسامحه و بدی نسبت به او کیفر می‌بیند [۲۰].

مطالعات بسیاری نشان داده که خانواده‌های از هم پاشیده، وجود تضاد زیاد در خانواده و پایین بودن میزان تعامل بین والدین و فرزندان به انحرافات جنسی فرزندان در دوران نوجوانی، گرایش به مصرف مواد مخدر، مواد الکلی و در مجموعه به رفتار نابهنجار آن‌ها در آینده

<sup>۱</sup> Stevens

منجر می‌شود [۲۳].

مک گیلیسودی و لیزی<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) [۱۱] در سایه پژوهش‌های خود اظهار داشته‌اند؛ روابط سالم خواهر- برادری می‌تواند، فرزندان را به خانواده پای بندتر نموده به طوری که پس از تشکیل زندگی زناشویی نیز این روابط عاطفی، همچنان حفظ شده و توسعه یابد.

مطالعات پروت و کارنوال<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) [۲۴] نشان داد هر چقدر فاصله سنی فرزندان کمتر بوده و در عین حال والدین نیز نتوانند با رفتارهای خود در بین آنان روابط سالم برقرار نمایند، تضاد بین فرزندان بیش‌تر شده و متأسفانه این تضادها به خصوص در دوران بزرگ سالی به رغم آنکه کمتر خواهد شد ولی همواره مانعی برای صمیمیت بیش‌تر آنان خواهد بود.

مطالعات رینالدی و هاو<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) [۲۵]، پرلمن و روس<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) [۲۶] و تسلا و دان<sup>۶</sup> (۱۹۹۲) [۷] با رد تلقی ذاتی بودن ناسازگاری بین فرزندان آن را واکنشی ناآگاهانه یا آگاهانه در مقابل رفتار والدین و شرایط خانوادگی ناامن و غیرسالم تلقی نموده است.

اونیل<sup>۷</sup> (۱۹۹۸) [۲۷] نشان داد، رفتار والدین با یکدیگر و نوع تعاملاتی که با فرزندان دارند و هم چنین نوع تعاملات فرزندان با یکدیگر در بروز رفتارهای پرخاشگرانه آنان در دوران بزرگسالی اثر گذار خواهد بود.

مطالعات کانینگهام و همکاران<sup>۸</sup> (۱۹۹۸) [۲۸] نشان داد مردانی که علیه همسران خود مرتکب خشونت می‌شوند در جو خانوادگی مبتنی بر روابط غیرسالم بین خود با دیگر برادران و خواهران یا والدین، بزرگ شده و پرورش یافته‌اند.

هوگتون<sup>۹</sup> (۱۹۸۹) [۲۹] در کنار مطالعات مذکور نشان داد؛ جو و روابط خانوادگی بین والدین و فرزندان

<sup>۲</sup> Mc Gillicuddy-De Lisi

<sup>۳</sup> Pruitt & Carnevale

<sup>۴</sup> Rinaldi & Howe

<sup>۵</sup> Perlman & Ross

<sup>۶</sup> Tesla & Dunn

<sup>۷</sup> Oneill

<sup>۸</sup> Cunningham & et al.

<sup>۹</sup> Houghton

بوده، از زندگی زناشویی رضایت کمتری داشتند و رابطه جوانان و والدین رضایت بخش و دوستانه نبود.

مسرور (۱۳۸۱) [۲۳] نشان داد که کمک فرزندان به هم در کارهایشان، مشورت فرزند با والدین، تضاد بین والدین با فرزندان، تنبیه بدنی پدر در صورت اشتباه فرزند، مهم بودن نظر فرزندان برای والدین در مشورت، با رفتار نابهنجار نوجوانان رابطه معکوس دارد.

گلچین (۱۳۸۱) [۳۳] در مطالعه خود به این نتیجه رسید که بین تمایل به پرخاشگری نوجوانان و عملکرد خانواده رابطه معنادار معکوسی وجود دارد.

میرشریفا (۱۳۸۲) [۳۴] در پژوهشی که از ۴۲۰ مراجعه کننده به مرکز مشاوره انجام شد، خانواده‌هایی که صرفاً درگیری و ستیزه داشتند انتخاب شدند. در این خانواده‌ها در مجموعه ۳۸ درصد کودکان بنا به میل خود یا با فشار خانواده از خانه اصلی خود بیرون رفته و به مدت طولانی در خارج از منزل بسر برده‌اند.

نوروزی (۱۳۸۲) [۳۵] در مطالعه خود با عنوان تأثیر سبک رفتاری خانواده (خانواده منسجم و صمیمی، خانواده پاسخگو، خانواده بی تفاوت، خانواده مستبد، و خانواده آشفته) بر وضعیت روانی دانش آموزان و بر نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه پرداخت. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که سبک رفتاری خانواده‌های منسجم و صمیمی و خانواده‌های پاسخگو، بر سلامت روانی دانش آموزان و نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه تأثیر مثبت و در مقابل سبک رفتاری خانواده‌های بی تفاوت و مستبد و آشفته بر سلامت روانی دانش آموزان و نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه تأثیر منفی دارد.

مجاهد و بیرشک (۱۳۸۲) [۳۶] در مطالعه خود با عنوان بررسی وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های تک همسری و چند همسری به این نتیجه رسیدند که که نمرات حاصل از اجرای پرسشنامه راتر بر روی کودکان، در هیچ یک از متغیرهای نوع خانواده، سن، جنس، سن پدر و جمعیت فرزندان خانواده در دو گروه تفاوت معناداری ندارد.

می‌تواند در زندگی شخصی بزرگ سالی تأثیر داشته به طوری که بسیاری از مشکلات زناشویی آینده ناشی از جو و روابط والدین با یکدیگر، والدین با فرزندان و فرزندان با یکدیگر در گذشته بوده است.

رام و روس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) [۱۵] ضمن بررسی و تحلیل میزان شیوع روابط نامناسب فرزندان در برخی کشورها متذکر شده‌اند که مشکل روابط فرزندان بسیار فراگیر بوده و خانواده‌های زیادی با این مشکل دست به گریبان می‌باشند.

ویلانگ و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) [۳۰] مشخص کرده‌اند که سبک فرزندپروری به صورت مستقیم بر ویژگی‌های شخصیتی فرزندان و از این طریق بر بیماری‌ها و کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

آلسو و همکاران<sup>۳</sup> ( ) (۲۰۰۴) [۳۱] نشان دادند: سبک دادند: سبک تربیتی والدینی که فرزندان مبتلا به اختلال وسواسی - اجباری<sup>۴</sup> داشته‌اند با گروه کنترل (والدین فرزندان سالم) متفاوت بوده و افراد مبتلا به اختلال وسواسی - اجباری، والدین خود را بیش تر طرد کننده می‌دانستند و میزان رابطه گرم و صمیمی با پدر و مادر را خیلی کم گزارش کرده‌اند.

پژوهشی به منظور بررسی تأثیر عملکرد نظام خانواده بر بهداشت روانی اعضای خانواده (پدر، مادر و فرزندان) توسط موسوی (۱۳۷۹) [۳۲] انجام شد، نتایج پژوهش نشان داد که عملکرد کلی نظام خانواده‌های سالم و پریشان کارآمد بوده و تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند، ولی عملکرد خانواده‌های افسرده در مقایسه با دو گروه دیگر ناکارآمد بوده است. خانواده‌های افسرده از همبستگی و انعطاف پذیری کمتری برخوردار بوده و اعضا ارتباط کمتری با یکدیگر داشتند. در خانواده‌های افسرده قدرت به طور نامتعادل بین پدر و مادر تقسیم می‌شد و ائتلاف والد - فرزند بیش تر به چشم می‌خورد. والدین خانواده‌های افسرده در تربیت فرزندان ناهماهنگ

<sup>1</sup> Ram & Ross

<sup>2</sup> Weylung & et al.

<sup>3</sup> Alenso & et al.

<sup>4</sup> Obsessive-compulsive disorder

### سؤال های پژوهش

- ۱- جو حاکم بر روابط خواهر- برادری بین فرزندان خانواده‌های استان اصفهان چگونه است؟
- ۲- جو حاکم بر روابط خواهر- برادری فرزندان خانواده‌های استان اصفهان بر اساس نظر پسران چگونه است؟
- ۳- جو حاکم بر روابط خواهر- برادری فرزندان خانواده‌های استان اصفهان بر اساس نظر دختران چگونه است؟
- ۴- آیا جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خانواده‌های استان اصفهان بر حسب متغیر جنس پاسخگویان، مبین وجود تفاوت معنا دار است؟
- ۵- آیا جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خانواده‌های استان اصفهان بر حسب متغیر محل زندگی پاسخگویان، مبین وجود تفاوت معنا دار است؟
- ۶- آیا جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خانواده‌های استان اصفهان بر حسب متغیر سن پاسخگویان، مبین وجود تفاوت معنا دار است؟

### روش پژوهش

با توجه به عنوان پژوهش، سؤال‌ها و نیز هدف پژوهش که در راستای سنجش جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خانواده‌های استان اصفهان بوده از روش پژوهش توصیفی استفاده شده است.

### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه فرزندان مجرد ۱۵ الی ۲۵ ساله استان اصفهان بوده است. به منظور نمونه گیری ابتدا آمار جمعیتی و توزیع درصد سهم خانواده‌های ساکن در شهرها و روستاهای استان کسب شده و سپس با منظور نمودن خانواده به عنوان واحد نمونه آماری با بهره‌گیری از فرمول برآورد نمونه آماری سرایی (۱۳۷۲) [۴۰] تعداد ۲۲۰ واحد خانواده از کل استان به عنوان نمونه آماری برآورد و سپس با بهره‌گیری

در تحقیقی که توسط کوروش نیا و لطفیان (۱۳۸۶) [۳۷] در رابطه با بررسی رابطه ابعاد الگوی ارتباطات خانواده (جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوایی) با میزان اضطراب و افسردگی فرزندان انجام گرفت نتایج تحقیق نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود خانواده پیش‌بینی کننده معنادار اضطراب و افسردگی فرزندان است و اضطراب و افسردگی آنان را به‌طور منفی پیش‌بینی می‌کند. همچنین جهت‌گیری همنوایی خانواده به‌طور معنادار و مثبت اضطراب و افسردگی فرزندان را پیش‌بینی می‌کند اما پیش‌بینی کننده معناداری برای افسردگی آن‌ها نیست.

جوکار و رحیمی (۱۳۸۶) [۳۸] در مطالعه خود با عنوان تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده (توافق کننده، کثرت گرا، محافظت کننده و بی‌قید) بر شادی به این نتیجه رسیدند که بین الگوهای ارتباطی از نظر شادی تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طوری‌که در الگوهای ارتباطی توافق کننده و کثرت گرا میانگین شادی بالاتر و در الگوهای ارتباطی محافظت کننده و بی‌قید میزان آن پایین‌تر بوده است.

سیدموسوی، نادعلی و قنبری (۱۳۸۷) [۳۹] در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانگان برونی سازی شده در کودکان ۷-۹ نشان دادند که سبک فرزند پروری سهل گیرانه با نشانگان برونی سازی شده رابطه مثبت معناداری دارد ولی سبک فرزند پروری مقتدرانه با نشانه‌های برونی‌سازی همبستگی منفی معناداری نشان داد. سبک فرزندپروری مستبدانه با نشانگان برونی سازی شده رابطه معناداری نداشت.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که جو سالم و همراه با آرامش برای فرزندان از ضروریات زندگی سالم اجتماعی است و ایجاد چنین فضایی در خانواده از نیازهای اساسی است. فضای مطلوب خانوادگی از نابسامانی‌ها و آسیب‌های گوناگون زندگی آتی فرزندان جلوگیری خواهد نمود.

اولین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه: «جو حاکم بر روابط خواهر- برادری بین فرزندان خانواده‌های استان اصفهان چگونه است؟».

از مجموع پاسخ دهندگان به ابزار پژوهش (فرزندان خانواده‌ها)، ۴۷/۸ درصد آن‌ها جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خود را مطلوب توصیف ننموده و اظهار داشته‌اند، روابط خوبی بین آن‌ها برقرار نمی‌باشد. به عبارت دیگر تقریباً نیمی از نمونه پژوهش (اعم از دختر و پسر)، نوع روابط خواهر- برادری خود را در حد مطلوب توصیف ننموده و دچار نوعی تنیدگی در روابط خود با سایر فرزندان خانواده بوده‌اند (جدول ۱).

در این خصوص رینالدی و هاو<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) [۲۵]، پرلمن و روس<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) [۲۶] و تسلاودان<sup>۶</sup> (۱۹۹۲) [۷] با رد تلقی ذاتی بودن ناسازگاری بین فرزندان آن را واکنشی ناآگاهانه یا آگاهانه در مقابل رفتار والدین و شرایط خانوادگی ناامن و غیرسالم تلقی نموده است. کیفیت روابط زناشویی والدین عاملی مهم در ایجاد یا تشدید اختلال عاطفی یا رفتاری کودک است. بچه‌های والدینی که ازدواج شان با نزاع، تنش، نارضایتی متقابل، انتقاد، خصومت و فقدان گرمی و صمیمیت قرین باشد احتمالاً بیش‌تر رنجیده و آزرده خاطر می‌شوند [۴۳].

افروز (۱۳۸۶) [۱] معتقد است؛ چگونگی ارتباط والدین با کودک، الگوی تمام عیار ارتباطات اجتماعی برای کودک خواهد بود به طوری که آن را به سادگی تعمیم داده، پیش فرض‌هایی برای خود ایجاد و به دآوری درباره بزرگسالان می‌نشیند.

میچل و رزنتلا<sup>۷</sup> (۱۹۹۲) در بررسی متغیرهای پویایی خانواده، ناامیدی و انتظار از مرگ را بررسی کردند. در این پژوهش که بر روی نوجوانان با نشانه‌های تمایل به خودکشی و عدم تمایل به خودکشی بررسی شد، تفاوت معناداری در فرایندهای تعاملی و ارتباطات بین اعضای خانواده مشاهده گردید [۲].

از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، طبقه‌ای متناسب با حجم و تصادفی ساده، نمونه لازم از بین فرزندان دختر و پسر خانواده‌های مذکور (از هر خانواده نمونه به تصادف یک دختر و یک پسر) انتخاب شده است.

## ابزار پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه سنجش روابط خواهر- برادری<sup>۱</sup> بوده که توسط والتر، هورسون، گورون، مک نیل و بی‌ایرکسی تهیه شده است. این پرسشنامه دارای دو قسمت (برای دختران و پسران) و در هر قسمت نیز دارای ۲۵ سؤال با طیف ۷ گزینه‌ای می‌باشد. نقطه برش این پرسشنامه توسط والمیر<sup>۲</sup> [۴۱] نمره ۷۰ محاسبه شد که نمرات بالاتر از آن مبین وجود استرس شدید در روابط فرزندان با یکدیگر است به طوری که خشونت در این رابطه وجود داشته و یا اینکه مورد استفاده بوده است [۴۲]. هادسون<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) [۴۱] پایایی آزمون را با استفاده از روش همسانی درونی سؤال‌ها ۰/۷۹ و روایی عاملی و سازه‌ای آن را ۰/۷۱ گزارش نموده است. در پژوهش حاضر پایایی آزمون با استفاده از داده‌های اجرای آزمایشی و طی محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برآورد شده است.

## شیوه تحلیل داده‌ها

برای توصیف نمونه از شاخص آماری نقطه برش و برای آزمون سؤال‌های پژوهش نیز از آزمون‌های آماری استنباطی چون؛ «T مقایسه میانگین دو گروه مستقل» و «F تحلیل واریانس تک متغیری» استفاده شده است.

## یافته‌ها

در اینجا نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش آورده شده است:

۱- بررسی سؤال اول

<sup>4</sup> Rinaldi & Howe

<sup>5</sup> Perlman & Ross

<sup>6</sup> Tesla & Dunn

<sup>7</sup> Michel & Resentela

<sup>1</sup> Index of Brother and sister Relation

<sup>2</sup> Walmyr

<sup>3</sup> Hudson

از روابط خواهر- برادری خود راضی بوده و مشکلی را در این زمینه گزارش ننموده‌اند (جدول ۳).

نبود روابط مطلوب و همبستگی‌های خانوادگی اثرات مخربی بر دختران می‌گذارد و هر نوع تزلزل یا تنش در خانواده سلامت کودک را تهدید می‌کند [۴۳].

دختران در مقایسه با پسران در برابر عوامل خانوادگی حساسترند و چون دارای نیازهای روحی و عاطفی خاصی هستند لذا در برابر مسائل خانوادگی نیز آسیب پذیر ترند در همین راستا نتایج تحقیق حقیقت دوست (۱۳۸۱) [۴۴] نشان می‌دهد که عوامل خانوادگی نظیر جدایی والدین، نابسامانی خانوادگی، اعتیاد یکی از والدین به ویژه پدر و سوء رفتار برادر بزرگتر با خواهران موجب نارضایتی دختران از محیط خانه شده و در نهایت به فرار آنان از خانه منجر می‌شود.

نتایج تحقیقات کوهن و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) درباره نوجوانان فراری امریکایی نشان می‌دهد که نوجوانان بی‌خانمان و فراری بیش‌تر دختر و سفید پوست بوده‌اند و همینطور کوهن به این نتیجه دست یافت که دختران در این زمینه آسیب‌پذیرتر از پسران بوده‌اند [۴۴].

پیکرستان (۱۳۸۰) [۴۵] معتقد است؛ پدیده فرار از خانه خواه به عنوان یکی از علل یا معلول‌های نابهنجاری‌های اجتماعی، معلول تعاملات ناکارآمد بین اعضای خانواده است.

نتایج تحقیق حمیدی و همکاران (۱۳۸۳) [۲] مبین آن است که ساخت خانواده دختران فراری ناکارآمد است. دختران فراری و خانواده‌های آن‌ها در سازه‌های «نقش خانوادگی»، «حل مشکل» و «ابراز عواطف» عملکردی پایین‌تر از هنجار جامعه دارند.

کججاف و همکاران (۱۳۸۳) [۴۳] نشان دادند؛ بین رضایت زناشویی و تفاهم فرزند پروری والدین با اختلالات رفتاری دختران رابطه معنادار وجود دارد. به‌طوریکه هرچه رضایت زناشویی والدین کمتر و تفاهم فرزند پروری آنان پایین‌تر باشد اختلالات رفتاری دختران بیش‌تر خواهد شد و برعکس.

وجود اهداف متضاد در بین فرزندان، ناسازگاری والدین، روابط محدود و خشک در بین اعضای خانواده و تعامل توأم با کنایه و کلیشه و عواملی از این دست به نارضایتی و اختلاف در بین فرزندان منجر خواهد شد.

## ۲- بررسی سؤال دوم

دومین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه: «جو حاکم بر روابط خواهر- برادری فرزندان خانواده‌های استان اصفهان بر اساس نظر پسران چگونه است؟».

از مجموع پسران پاسخ دهنده به ابزار پژوهش، ۶۲/۹٪ آن‌ها از روابط خواهر- برادری خود ناراضی بوده‌اند. در واقع، در روابط خود با سایر فرزندان خانواده دچار مشکل بوده و جو حاکم بر این روابط را نامطلوب گزارش نموده‌اند. از مجموع پسران پاسخ دهنده تنها ۳۷/۱٪ از آنان از روابط خواهر- برادری خود راضی بوده و مشکلی را در این زمینه گزارش نداده‌اند (جدول ۲).

عوامل متعددی می‌تواند در نارضایتی پسران نقش داشته باشد. عوامل نظیر فقر، اختلافات خانوادگی، بی‌توجهی والدین، کمبود محبت، تولد فرزند جدید، فقدان یکی از والدین و ...

در این خصوص مطالعه‌ای که توسط گلوئیک بر روی دانش‌آموزان بزهکار پسر انجام شد، نتایج نشان داد که درصد بزهکاری در دانش‌آموزانی که پدر خود را از دست داده یا طلاق گرفته‌اند بیش از سایرین بوده است. این امر ممکن است به علت فقدان یک الگوی مناسب رفتاری برای پسران باشد [۱۷].

## ۳- بررسی سؤال سوم

سومین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه: «جو حاکم بر روابط خواهر- برادری فرزندان خانواده‌های استان اصفهان بر اساس نظر دختران چگونه است؟».

از مجموع دختران پاسخ دهنده به ابزار پژوهش، ۴۱/۴٪ آن‌ها از روابط خواهر- برادری خود ناراضی بوده‌اند. در واقع در روابط خود با سایر فرزندان خانواده دچار مشکل بوده و جو حاکم بر این روابط را نامطلوب گزارش نموده‌اند. از مجموع دختران پاسخ دهنده ۵۸/۶٪

<sup>1</sup> Kohen & et al.



جدول ۱: نتایج نقطه برش در پرسشنامه روابط خواهر- برادری.

نقطه برش	افراد بالاتر از نقطه برش	افراد پایین تر از نقطه برش
۷۰	٪۴۷/۸	٪۵۲/۲

جدول ۲: نتایج نقطه برش در پرسشنامه روابط خواهر- برادری از نظر پسران.

نقطه برش	افراد بالاتر از نقطه برش	افراد پایین تر از نقطه برش
۷۰	٪۶۲/۹	٪۳۷/۱

موجبات آگاهی والدین و سایر اعضای خانواده را در این زمینه فراهم آورد. البته لازم به ذکر است که بی‌عدالتی در اظهار محبت نسبت به فرزندان باعث ایجاد عقده حقارت و حسادت میان آنان می‌شود ولی با توجه به این که عواطف و احساسات دختر نسبت به پسر بیش تر می‌باشد گاهی لازم والدین دختران را مقدم دارند بر این اساس پیامبر (ص) می‌فرماید: هرگاه تحفه‌ای را به خانه آوردید اول از دخترها شروع کنید [۴۸].

#### ۴- بررسی سؤال چهارم

چهارمین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه: «آیا جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خانواده‌های استان اصفهان بر حسب متغیر جنس پاسخگویان، مبین وجود تفاوت معنا دار است؟».

«T» محاسبه شده به منظور بررسی وجود تفاوت معنادار بین میانگین مجموع اظهارات پاسخگویان پسر (میانگین ۷۲/۱۴ و انحراف معیار ۲۱/۲۶±) و دختر (میانگین ۶۵/۷۱ و انحراف معیار ۲۲/۳۴±) در سطح  $P \leq 5\%$  معنا دار بوده است. به عبارت دیگر، بین نظرات پسران و دختران مورد مطالعه در خصوص جو حاکم بر روابط خواهر- برادری بین آن‌ها تفاوت معنادار وجود داشته است. چنانچه ملاحظه می‌شود، پسران به طور معناداری بیش از دختران روابط خواهر- برادری خود را در وضعیت نامتناسب ارزیابی نموده‌اند (جدول ۴).

حقیقی و دیگران (۱۳۸۱) [۴۶] نیز معتقدند؛ بین روابط پدر و مادر- فرزندی و سازگاری دانش‌آموزان دختر رابطه ساده و چندگانه وجود دارد به طوری که هرچه روابط والدین با فرزند عاطفی، صمیمی و دوستانه باشد سازگاری آن‌ها بیش تر خواهد شد. این نارضایتی شاید مربوط به احساس محدودیت دختران در خانواده باشد و یا به این دلیل باشد که دختران احساس می‌کنند وجود پسران در خانواده اهمیت بیش تری دارد و انتظار آزادی بیش تری را از خانواده دارند بنابراین از عملکرد خانواده چندان راضی به نظر نمی‌رسند.

تحقیقی که توسط اسماعیلی و ربیعی (۱۳۸۷) [۴۷] با عنوان سنجش نیازهای فرهنگی- اجتماعی دختران دانش‌آموز شهر اصفهان انجام شد معلوم گردید که نیازهای عاطفی- روانی در مرتبه اول، نیازهای اجتماعی در رتبه دوم، نیازهای اقتصادی در رتبه سوم و نیازهای فرهنگی در مرتبه چهارم قرار دارند. دختران نوجوان، شرکت در فعالیت‌های تفریحی (اردو و مسافرت) را به عنوان گزینه اول نیازهای فراغتی اعلام کرده‌اند. خانواده، مهم‌ترین گروه مرجع دختران می‌باشد و آن‌ها تمایل دارند تا مورد توجه بیش تری از سوی خانواده‌ها قرار گیرند. به بیان دیگر برای آنان همدلی و برقراری روابط صمیمانه اولویت بیش تری نسبت به تزریق پول و تامین امکانات دارد. بنابراین لازم است که در خانواده‌ها به نیازهای عاطفی و روحی خاص دختران توجه بیش تری مبذول شود. و باید

جدول ۳: نتایج نقطه برش در پرسشنامه روابط خواهر- برادری از نظر دختران.

نقطه برش	افراد بالاتر از نقطه برش	افراد پایین‌تر از نقطه برش
۷۰	٪۴۱/۴	٪۵۸/۶

جدول ۴: نتایج آزمون «T» مقایسه میانگین دو گروه مستقل به تفکیک متغیر جنس.

جنس	شاخص‌های آماری			
	میانگین	انحراف معیار	df	T
پسران	۷۲/۱۴	۲۱/۲۶	۲/۵۸	۳/۹۱
دختران	۶۵/۷۱	۲۲/۳۴		

پنجمین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه: «آیا جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خانواده‌های استان اصفهان بر حسب متغیر محل زندگی پاسخگویان، مبین وجود تفاوت معنادار است؟».

«F» محاسبه شده به منظور بررسی وجود تفاوت معنادار بین میانگین مجموع اظهارات پاسخگویان سه بخش: شهر اصفهان (میانگین ۷۳/۲۲ و انحراف معیار ۱۸/۸۱±)، شهرستان‌های کل استان اصفهان (میانگین ۶۴/۲ و انحراف معیار ۲۶/۳۲±) و روستاهای کل استان اصفهان (میانگین ۶۴/۱۳ و انحراف معیار ۲۴/۷۶±) در سطح  $P \leq 0.05$  معنادار نبوده است. به عبارت دیگر، بین نظرات ساکنین سه بخش مذکور در خصوص جو حاکم بر روابط خواهر- برادری تفاوت معناداری وجود نداشته است. با این وجود، چنانچه ملاحظه می‌شود، جوانان ساکن در خانواده‌های شهر اصفهان جو حاکم بر روابط خواهر- برادری را به مراتب بدتر از شهرستان‌ها و روستاهای کل استان گزارش نموده‌اند (جدول ۵).

تأثیر فشارهای روانی ناشی از زندگی نوین و دگرگون شدن شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کیفیت زندگی انکارناپذیر است [۵۱].

عوامل خانوادگی نقش مهمی در نگرش دختران و پسران دارد. بسته به نوع مسائل خانوادگی تأثیرپذیری دختران و پسران از آن متفاوت خواهد بود. مسائلی نظیر نزاع والدین، روابط محدود، پدر مستبد، مادر مستبد، فقدان پدر یا مادر یا هردو تأثیراتی متفاوتی در فرزندان دختر و پسر خواهد گذاشت. که اگر به‌درستی اداره نشوند به انحراف آن‌ها منجر خواهد شد. به‌طور مثال نظریه ساترلند حاکی از آن است که هرچه روابط اعضای خانواده سالم و از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد، امکان بروز انحراف در فرزندان کمتر خواهد بود. عبارت دیگر وجود افراد مجرم در خانواده فرصت آموختن و یادگیری انحرافات را برای سایر اعضای خانواده فراهم می‌سازد [۴۹].

یافته‌های پژوهش کرامتی و همکاران (۱۳۸۴) [۵۰] نشان می‌دهد که دختران خانواده‌های شاهد از نظر سلامت روانی و عملکرد تحصیلی نسبت به فرزندان پسر این خانواده‌ها در وضعیت بهتری قرار دارند اما میان مهارت‌های اجتماعی دختران شاهد با مهارت‌های اجتماعی پسران این خانواده‌ها تفاوتی معنادار وجود ندارد.

۵- بررسی سؤال پنجم

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس تک متغیری جو حاکم بر روابط فرزندان به تفکیک محل زندگی.

جنس	شاخص‌های آماری		
	میانگین	انحراف معیار	F
شهر اصفهان	۷۳/۲۲	۱۸/۸۱	۱/۸۷
شهرستانهای کل استان	۶۴/۲	۲۶/۳۲	
روستاهای کل استان	۶۴/۱۳	۲۴/۷۶	

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس تک متغیری جو حاکم بر روابط فرزندان به تفکیک متغیر سن.

جنس	شاخص‌های آماری		
	میانگین	انحراف معیار	df
۱۵-۱۸ سال	۶۳/۳۷	۲۴/۱۶	۲
۱۹-۲۲ سال	۶۸/۶۹	۲۳/۳۱	
۲۳-۲۵ سال	۷۲/۱۳	۲۸/۵۹	

مختلف پاسخگویان شامل؛ پانزده تا هجده سال (میانگین ۶۳/۳۷ و انحراف معیار ۲۴/۱۶)، نوزده تا بیست و دو سال (میانگین ۶۸/۶۹ و انحراف معیار ۲۳/۳۱) و بیست و سه تا بیست و پنج سال (میانگین ۷۲/۱۳ و انحراف معیار ۲۸/۵۹) در سطح  $P \leq 5\%$  معنا دار نبوده است. به عبارت دیگر، بین نظرات سه گروه سنی پاسخگویان در خصوص جو حاکم بر روابط خواهر- برادری تفاوت معناداری وجود نداشته است. با این وجود چنانچه ملاحظه می‌شود، جوانان گروه سنی بیست و سه تا بیست و پنج سال جو حاکم بر روابط خواهر- برادری در خانواده‌های ساکن شهر اصفهان را به مراتب بدتر از دو گروه سنی دیگر گزارش نموده اند (جدول شماره شش). یافته‌های پژوهشی پیوندهای معناداری بین رفتار در دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی نشان داده‌اند. به‌طور مثال مطالعه طولی پارکر و آشر<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۷۲) نشان داده است که تعداد دوستان محدود و عدم مقبولیت در میان همسالان در دوران

از آنجا که متغیر محل زندگی تحت تأثیر وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، بسته به نوع محل زندگی و فشارهای محیطی ناشی از آن میزان رضایت افراد از زندگی متفاوت خواهد بود و عملکرد خانواده تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. در این خصوص احمدی (۱۳۸۲) [۱۸] معتقد است که همگونی و تجانس فرهنگی که در روستا و شهرهای کوچک دیده می‌شود در جوامع صنعتی و شهرهای بزرگ از هم می‌پاشند و به ناهمگونی و عدم تجانس تبدیل می‌شوند و این امر برای جوانان مشکلات بیش‌تری را پیش می‌آورد.

#### ۶- بررسی سؤال ششم

ششمین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه؛ «آیا جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خانواده‌های استان اصفهان بر حسب متغیر سن پاسخگویان، مبین وجود تفاوت معنا دار است؟».

(F) محاسبه شده به منظور بررسی وجود تفاوت معنادار بین میانگین مجموع اظهارات گروه‌های سنی

<sup>1</sup> Parker & Asher

<sup>2</sup> Ref & et al.

رومیلسیو، کاپلان، کوهن، آل بچسد و آندرسون<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) [۵۵]؛ وادسورث<sup>۵</sup> ۱۹۹۷ [۵۶]؛ مالدن<sup>۶</sup> (۱۹۹۰) [۵۷] نشان داده‌اند؛ در فرایند تعارضات خانوادگی (والدین با یکدیگر، والدین با فرزندان، فرزندان با یکدیگر)، سلامت روانی و فیزیکی فرزندان تحت الشعاع قرار می‌گیرد. در سایه کشمکش‌های بین والدین و فرزندان است که ناسازگاری فرزندان آغاز شده و روابط بین آنان خدشه دار می‌شود [۵۸].

کاتزوگاتمن<sup>۷</sup> (۱۹۹۷) [۵۹] معتقدند؛ روانشناسان خانواده روابط بین فرزندان خانواده را مورد توجه قرار داده زیرا کشمکش‌های خانوادگی منجر به مشکلات رفتاری در آنان می‌گردد به طوری که آنان در برقراری ارتباط منطقی و مطلوب با یکدیگر دچار مشکل می‌شوند. یافته‌های پژوهش فوق، نشان داد که ۴۷/۸ درصد فرزندان جامعه مورد بررسی از روابط خواهر- برادری خود رضایت نداشته و جو را متشنج و پرتعارض توصیف نموده‌اند. به واقع نیمی از فرزندان جامعه مذکور معتقدند، فضای حاکم بر روابط خواهر- برادری آنان، خالی از درک، دوست داشتن حقیقی، اعتماد، هم فکری، اتحاد فکری، لذت بخشی، ارزش دهی به یکدیگر، محبت و مهربانی است.

نارضایتی در خانواده ناشی از نوعی تنیدگی و اعتراض به عوامل آزار دهنده است. اگر این عوامل ادامه یابند نتایج مخرب و جبران ناپذیری در پی خواهد داشت در این رابطه نتایج تحقیق بروجنی و دیگران (۱۳۸۰) [۶۰] نشان داد که بیشترین میانگین نمره افسردگی و بیشترین شیوع افکار خودکشی در نوجوانی دیده شده که رفتار والدین خود را سخت‌گیرانه ارزیابی کرده بودند، همچنین کمترین میانگین نمره افسردگی و کمترین شیوع افکار خودکشی در نوجوانی بود که والدین دموکرات منش داشتند. همچنین مشاهده شد که با عاطفی‌تر شدن روابط و کاهش کنترل در روابط والد

کودکی با میزان بالای اختلال رفتاری در دوران نوجوانی و بزرگسالی ارتباط دارد. همچنین مطالعه طولی فریک، لاهی، هارت لاجن و هیند<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) نمایان ساخت که نوجوانانی مشکلات شدید رفتاری خواهند داشت که قبلاً در دوران کودکی مشکلات رفتاری زیادی را آشکار کرده‌اند. در عین حال کلاسن<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) نقل می‌کند، مطالعات دیگر نشان داده‌اند که توانایی برنامه ریزی و انتخاب‌های واقع بینانه طی نوجوانی با موفقیت‌ها و ثبات در مراحل دیگر زندگی ارتباط دارد [۵۲].

### بحث و نتیجه‌گیری

خانواده کانون مقدسی است که انسان با ماهیت اجتماعی خود ابتدا در این بستر طبیعی به فعلیت خواهد رسید. انسان به طور طبیعی ماهیتی اجتماعی داشته و به عنوان برترین مخلوق الهی اساساً بنا به ذات متعالی خود در کانون خانواده و در سایه ازدواج است که سکون و آرامش خواهد یافت تا بتواند به تحقق ذات الهی خود همت گمارد.

خانواده اولین، مهم‌ترین و پربرکت‌ترین نهاد اجتماعی در تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی است. خانواده به مثابه اصلی‌ترین پایگاه شکوفایی شخصیت و پرورش دهنده مهارت‌های جمعی فرزندان، اساسی‌ترین سهم را در سلامت و اعتلای جوامع بشری بر عهده دارند و بخش قابل توجهی از شکل‌گیری شخصیت، تبلور رفتارهای اجتماعی، تعاملات بین فردی و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها، حاصل چگونگی بازخوردها، بیانش‌ها و تجارب فرزندان در زندگی خانوادگی است [۱].

خانواده در مباحث آسیب شناسی اجتماعی نیز به عنوان متغیری بنیادی مورد توجه قرار می‌گیرد [۵۳]. تحقیقات کمبل و لوئن دوسکی<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) [۵۴]؛

<sup>4</sup> Romelsjo Kaplan, Cohen, Allebechd Andreasson

<sup>5</sup> Wadsworth

<sup>6</sup> Mauldon

<sup>7</sup> Katz & Guttman

<sup>1</sup> Frick, Lahi, Harte Lajen & Hind

<sup>2</sup> Kelasen

<sup>3</sup> Campbell & Lewan Dowski

خانواده و افزایش شیوع اختلالات رفتاری ایزایی-کمبود توجه رابطه معناداری وجود دارد. هم چنین نتایج تحقیق ایرانپور (۱۳۷۹) [۶۸] نشان می‌دهد که بین دو گروه خانواده پر فرزند و کم فرزند به لحاظ میزان شیوع اختلال رفتاری، تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌های یوسفی (۱۳۷۹) [۶۹] نیز افزایش افراد خانواده را در بروز اختلالات رفتاری مؤثر دانسته است. عامل مهم دیگر رتبه تولد فرزندان است که زمینه حسادت و رشک مندی را فراهم می‌کند به طور مثال فرزندان اول از احساس شدید قدرت و برتری، اضطراب زیاد، و تدافعی بیش از حد برخوردارند. فرزندان اول موقع تولد خواهر یا برادر کوچکتر خلع تکان دهنده‌ای را تجربه می‌کنند. این رویداد شرایط و نگرش کودک را نسبت به دنیا به نحو شگفت‌انگیزی تغییر می‌دهد. اگر وقتی که خواهر یا برادر به دنیا می‌آیند، فرزندان اول سه ساله یا بزرگتر باشند، این خلع را در سبک زندگی قبلاً ایجاد شده خود ادغام می‌کنند. اگر آن‌ها سبک زندگی خود محوری را ایجاد کرده باشند، احتمالاً نسبت به نوزاد احساس خصومت و رنجش خواهند کرد، اما اگر سبک زندگی یاری گرایانه‌ای را تشکیل داده باشند، سر انجام همین نگرش را نسبت به خواهر و برادر جدید خود خواهند داشت. در صورتی که فرزندان اول کم‌تر از سه سال داشته باشند خصومت و رنجش آن‌ها ناهشیار خواهد بود به طوری که این نگرش‌ها را در آینده نسبت به تغییر مقاوم‌تر خواهد کرد [۷۰].

باری و باری<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) طی پژوهشی در یک بیمارستان در پیتزبورگ بر روی مردان بیمار بستری مبتلاء به اسکیزوفرنیا متوجه شدند که خانواده‌های ۲-۳ نفره بیماران، بیش‌تر نخستین فرزند خانواده بوده‌اند و در خانواده‌های شلوغ بیماران بیش‌تر فرزند آخر را شامل می‌شدند. گروسمن<sup>۳</sup> (۱۹۶۶) نیز در یک پژوهشی روی بیش از هزار پرونده بیماران اسکیزوفرنیک که در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۲ از یک بیمارستان در لندن

- نوجوان، میانگین نمره افسردگی و فراوانی افکار خودکشی کاهش می‌یابد.

مهدوی و میرساردو (۱۳۸۱) [۶۱] احتمال وجود رابطه معنی دار میان فقدان پدر و سرقت، خرید و فروش مواد مخدر، خودکشی، ترک خانه، ارتباط جنسی زودرس با جنس مخالف، کشیدن سیگار و استفاده از مواد مخدر را در این دسته از خانواده‌ها مورد بررسی قرار داده و نتایج آنان تحقیق حاکی از آن بود که میزان خرید و فروش مواد مخدر و ارتباط جنسی زودرس با جنس مخالف صفر است و سایر متغیرها با فقدان پدر همبستگی دادند. بالاترین میزان مربوط به تصمیم به خودکشی و پایین‌ترین میزان به سرقت اختصاص دارد. مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار که خود متأثر از فقدان پدر است، میزان تامین نیازهای نوجوانان است.

مطالعه‌ای که بر روی نوجوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت تهران و مشهد انجام شد، نشان داد که روابط خانوادگی در این بزهکاران مطلوب نبوده و همچنین خانواده بزهکاران دچار نوعی اختلال و اشکال است [۱۸]. هم‌چنین نتایج تحقیق احدی و دیگران (۱۳۸۳) [۶۲] نشان می‌دهند که وقتی رضامندی زناشویی بین زوجین پائین باشد، مشکلات عاطفی - رفتاری در کودکان افزایش می‌یابد.

در این خصوص وبستر - استراتون و دال<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) [۶۳] اظهار می‌دارند؛ دو عامل تعداد افراد خانواده و رتبه تولد از جمله عواملی هستند که در نارضایتی و در شکل‌گیری اختلال سلوک فرزندان مؤثر می‌باشند. البته در بررسی‌های انجام شده میزان شیوع این اختلالات، بر حسب روش بررسی و متغیرهای مورد بررسی، متفاوت و گوناگون گزارش شده است. در بررسی‌های انجام شده میزان شیوع اختلال سلوک بین ۱۶٪-۱٪ در نوسان بوده است [۶۴]. به هر حال شمار افراد خانواده به عنوان یک عامل خطر شناسایی شده است [۶۶ و ۶۵]. مطالعه توکلی زاده (۱۳۷۵) [۶۷] نشان داد؛ بین شمار افراد

<sup>2</sup> Bari & Bari

<sup>3</sup> Grossman

<sup>1</sup> Webster- Stratton & Dahl

نافرمانی در کودکان پدیدار می‌گردد [۴۶]. در این خصوص امام حسین (ع) می‌فرماید که پیامبر (ص) فرمودند: آنکس که فرزند خود را ببوسد (مورد محبت قرار دهد) خداوند حسن‌هایی را در نامه عمل او ثبت خواهد کرد و آنکس که فرزند خود را شاد کند خداوند او را در قیامت مسرور می‌نماید [۷۵].

بررسی نظرات دختران و پسران نشان داد، میزان نارضایتی پسران از روابط خواهر- برادری ۶۲/۹ درصد بوده در حالی که دختران میزان نارضایتی خود را در حد ۴۱/۴ درصد گزارش نموده‌اند بنابراین پسران بیش از دختران از روابط خواهر- برادری خود ناراضی بوده‌اند.

پروت و کارنوال<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) [۲۴] در این زمینه معتقدند؛ پسران به علت نوعی حس برتری که در خود نسبت به دختران احساس می‌کنند معتقدند، خواهر آنان باید مطیع آن‌ها بوده و در روابط بین آنان باید حرف آن‌ها همیشه برتر باشد. عدم پیروی دختران، دخالت والدین و جانبداری از فرزندان ضعیف‌تر، می‌تواند تعارضات و کشمکش‌های بین فرزندان را بیش‌تر نماید. با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های متفاوت فرزندان، یکی از خصوصیات دوره نوجوانی مخالفت است. نوجوان با افراد ذی نفع که در اطراف او هستند به مخالفت بر می‌خیزد. والدین نیز در دایره مخالفت او قرار دارند. این مخالفت به خاطر تشخیص طلبی و کسب استقلال و جداسازی خود از دیگران است. مخالفت در پسران شدیدتر از دختران است. این امر شاید بدلیل جرات و قدرتی است که پسران در طول رشد خود کسب می‌کنند. معمولاً از دختران انتظار مخالفت نمی‌رود و آنان آرام‌تر از پسران هستند و مخالفت خود را به صورت قابل قبولی ابراز می‌کنند [۱۸].

جو حاکم بر روابط خواهر- برادری فرزندان به تفکیک جنس نیز مبین وجود تفاوت معنادار بین نظرات آنان بود. مقایسه میانگین دو گروه جنسی نشان داد:

مرخص شده بودند نتیجه گرفت که در مردان در تمام خانواده‌ها و با هر اندازه‌ای، بیماری بیش‌تر در فرزندان آخر دیده می‌شود ولی در زنان از نظر ترتیب تولد یکسان بودند [۷۱].

افروز و ارجمندیا (۱۳۸۶) [۷۲] که به بررسی رابطه ترتیب و زمان تولد با شیوع آسیب‌های جسمی، ذهنی و حسی - حرکتی در کودکان و نوجوانان پرداخته بودند، دریافته‌اند؛ در جوامع شهری و روستایی ایران اولین فرزند خانواده بیش از سایر فرزندان در معرض ابتلا به انواع آسیب‌های جسمی، ذهنی و حسی- حرکتی قرار دارد. نتایج تحقیقات دانش‌آموز و راشد (۱۳۷۴) [۷۱] که به بررسی ترتیب تولد و بعد خانواده با اسکیزوفرنیا در ایران پرداخته بودند، نشان داد؛ توزیع بیماران در ترتیب‌های مختلف تولد برای مجموع آنان تفاوت معنادار دارد به این صورت که بیماران مورد بررسی بیش‌تر از فرزندان آخر هستند و ترتیب تولد بیش‌تر آن‌ها نهم و بیش‌تر بوده است. همچنین نتایج تحقیق مزرعه فرد و پسندیده (۱۳۷۴) [۷۳] نشان داد؛ فرزندان اول خانواده عزت نفس بیش‌تری نسبت به فرزندان بعدی دارد.

بر این اساس در آموزه‌های دینی اسلام توصیه شده است که در ابراز محبت به فرزندان، از تبعیض میان آن‌ها جداً خودداری شود که از آن میان می‌توان به مصداق زیر اشاره نمود: پدری با دو فرزند خود به محضر پیامبر (ص) شرفیاب می‌شود. وی یکی از فرزندان را می‌بوسد و به فرزند دیگر اعتنائی نمی‌کند، پیامبر (ص) با مشاهده این رفتار نادرست به او می‌فرماید؛ با فرزندان خود به طور مساوی رفتار کند [۷۴].

به طور کلی نتایج تحقیقات نشان می‌دهد؛ والدینی که گرفتار تعارضات و کشمکش‌های زناشویی اند، از خود سبک تربیتی ضعیفی نشان می‌دهند. سردی رفتار، غیرپذیرا بودن، پرخاشگری و ناتوانی در ایجاد ساختارهای مناسب و اعمال محدودیت‌های مناسب، از ویژگی‌های چنین سبک تربیتی است. تأثیرات منفی این سبک تربیتی به صورت ناسازگاری، بویژه خشم و

<sup>1</sup> Pruitt & Carnevale

اجتماعی خانواده، صمیمیت اعضای خانواده و حمایت اجتماعی رابطه معناداری با بزهکاری پسران داشته است. در حالی که در بین پاسخگویان دختر، آگاهی والدین و عضویت والدین در نهادهای اجتماعی با رفتارهای بزهکارانه رابطه معناداری را نشان داده‌اند.

جو حاکم بر روابط خواهر- برادری فرزندان به تفکیک محل زندگی، مبین تفاوت معنادار نبود هر چند که مقایسه میانگین سه گروه نشان داد، تعارضات بین فرزندان خانواده‌های ساکن شهر اصفهان به مراتب بالاتر از خانواده‌های ساکن شهرستان‌ها و روستاهای استان اصفهان می‌باشد در واقع هنوز روابط خواهر- برادری متناسب‌تر همراه با دوستی و علاقه بیش‌تر بین فرزندان روستایی و همچنین شهرستانهای کوچک به مراتب بیش‌تر از شهرهای بزرگ است. پدیده‌هایی نظیر زمان، مکان، وضعیت اقتصادی، وضعیت اجتماعی و ... زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در واقع وضعیت حاکم بر محل زندگی انسان در نوع فعالیتها و واکنشهای انسان در مواجهه با عوامل انسانی و محیطی نقش تأثیرگذاری دارند.

در این خصوص مطالعه الدر<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که افرادی که در فاصله سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۷۲ متولد شده‌اند، طی دوره اوج گیری اعتراضات و فرهنگ استفاده از مواد مخدر در مقایسه با گذشته، نوجوانی را با تاکید بیش‌تر بر موقعیت مادی و گرایش به کار، تجربه کرده‌اند. کاهش مشاغل تحت تأثیر تغییرات اقتصادی و وضعیت جمعیت در جهان، افراد حرفه‌ای و مدیران را تحت تأثیر قرار داده، به نحوی که جوانان دانشگاهی برای ورود به رشته‌های تخصصی خود با تأخیر روبه‌رو هستند و در بسیاری از موارد باید غیراز کار مورد علاقه، انتظار و تخصص خود انتخاب کنند [۵۲].

نتایج تحقیق دیباج‌نیا (۱۳۸۳) [۸۰] نشان داد که بین وضع اقتصادی خانواده و عملکرد کلی آن، با خرده مقیاس‌های حل مشکل و نقش‌ها رابطه معناداری وجود

پسران بیش از دختران روابط خواهر- برادری خود را در وضعیت نامتناسب ارزیابی نموده‌اند. در بین بسیاری از صاحب‌نظران در این زمینه توافق کلی وجود دارد که نوجوانان بزهکار غالباً در معرض آن‌گونه از روابط اجتماعی قرار دارند که از ویژگی‌های آن، نبودن رابطه و پیوند نزدیک و صمیمانه بین پدر و فرزند و مادر و فرزند است که به تدریج کیفیت این رابطه در رفتار آنان نسبت به دیگران بویژه بزرگسالان اثر می‌گذارد [۷۶].

در تحقیقی که گلچین و دیگران (۱۳۸۰) [۷۷] در اصفهان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که اکثریت نوجوانان پسر عملکرد خانواده را در حد مطلوب و نوجوانان دختر در حد نسبتاً مطلوب توصیف نموده‌اند. که این مغایر با نتیجه پژوهش حاضر می‌باشد. نتایج تحقیق سفیری و جزایری (۱۳۸۴) [۷۸] نشان داد؛ اکثر جوانان از وضعیت عاطفی خانواده خود راضی بودند. در این میان فضای عاطفی برای پسران بیش از دختران بود و از طرفی وضعیت کنش مبتنی بر دلبستگی عاطفی تعمیم یافته جوانان در حد متوسط بوده و در این میان دختران نسبت به پسران از کنش مبتنی بر دلبستگی عاطفی تعمیم یافته بیش‌تری برخوردار بودند. همچنین نتایج تحقیق طهماسیان و فتی (۱۳۸۵) [۷۹] نشان داد که نقش تحصیلات پدر و مادر بر حیطه‌های مختلف خود اثرمندی دختران معنادار است و تفاوت معناداری بین خود اثرمندی اجتماعی، تحصیلی، هیجانی، جسمانی دختران دارای والدین کم سواد و با سواد وجود دارد. اما این موضوع در مورد پسران صدق نمی‌کند. بدین معنا که نقش تحصیلات پدر و مادر بر حیطه‌های مختلف خود اثرمندی پسران معنادار نیست.

یافته‌های تحقیق علیوردی نیا و همکاران (۱۳۸۷) [۷۶] حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده، در بین پاسخگویان پسر بیش‌ترین قدرت تبیین‌کنندگی بزهکاری را داشته است، در صورتی که سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، بیش‌ترین قدرت تبیین‌کنندگی بزهکاری را در بین پاسخگویان دختر نشان داده است. همچنین در بین مؤلفه‌های سرمایه

<sup>۱</sup> Alder

باشد. زندگی ماشینی، انواع آلودگی ها، تراکم جمعیت، اضطراب و استرس ناشی از محیط زندگی و ... افراد را درگیر فعالیت‌های روزمره می‌نماید و آنان را از پرداختن به انواع وظایف و نیازهای دیگر باز می‌دارد. در واقع زندگی شهری شهری به نوعی برای شهروندان ایجاد محدودیت می‌کند و این خود موجبات نارضایتی را در شهر نشینان فراهم می‌سازد. جو حاکم بر روابط خواهر- برادری فرزندان به تفکیک سن فرزندان خانواده‌های مورد بررسی نیز مبین تفاوت معنادار نبوده است هر چند که مقایسه میانگین سه گروه نشان داد، جوانان گروه سنی بیست و سه تا بیست و پنج سال جو حاکم بر روابط خواهر- برادری خود را نامطلوب‌تر و پرتشنج‌تر از دو گروه سنی دیگر گزارش نموده‌اند. در بین دو گروه سنی دیگر، کم‌ترین تعارض بین روابط خواهر- برادری فرزندان در گروه سنی پانزده تا هجده سال گزارش داده شده است. با توجه به نارضایتی این دسته از افراد از روابط خواهر و برادری می‌توان به موضوعاتی نظیر استقلال مالی، اشتغال، کسب درآمد، ازدواج و ... در سن مذکور اشاره کرد. که به‌طور جدی ذهن افراد را به خود مشغول می‌نماید و نوعی دغدغه و نگرانی ایجاد می‌کند. که اگر پاسخ مناسب برای این موضوعات نباشد ممکن است سلامت روحی و روانی افراد خدشه دار شود و این خود عاملی است که روابط افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مسلم است که با وجود مشکلات روحی و روانی، روابط افراد با والدین، اعضای خانواده و دوستان خشک و همراه با تنیدگی خواهد بود. همانطور که اکبری (۱۳۸۱) [۸۲] اشاره می‌کند که داشتن کار و حرفه علاوه بر تامین نیازهای گوناگون فرد باعث تامین نیازهای روانی او نیز می‌شود.

فقر و عدم امکانات شغلی و نداشتن مهارت باعث روابط نامناسب خانوادگی می‌شود و جوانان را به بزهکاری می‌کشاند [۱۸]. والدین باید زمینه‌های لازم را برای فرزندان خود بمنظور کسب مهارت‌های مختلف فراهم سازد تا آنها قادر باشند در دوران بزرگسالی مسئولیت امورات زندگی را برعهده گیرند. در این

درد. پژوهش‌های طولی فلانگان و اکلز<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) نشان دادند که خانواده‌هایی که دو سال بیکاری را تجربه کرده بودند، در مقایسه با خانواده‌هایی که چنین تجربه‌ای را نداشتند، بیش‌تر دچار تضاد و مشکلات خانوادگی بویژه بین والدین و نوجوانان بودند. در این مطالعه معلمان نیز اختلالات رفتاری بیش‌تر و پیشرفت کمتری را در بین نوجوانان خانواده‌های بیکار در مقایسه با خانواده‌های شاغل گزارش کرده بودند. همینطور یافته‌های مطالعات مربوط به نوجوانان شهری و حاشیه نشین نشانگر آن است که آنها در میزان تأثیر پذیری از این اختلالات و در هم گسیختگی‌ها، تفاوت‌های فردی بسیار نشان می‌دهند. لذا اهمیت وجود مشکلات اقتصادی ناشی از فشارهای عمومی‌ای است که بر روابط خانوادگی اثر می‌گذارد و واکنش والدین نسبت به نوجوانان را مختل می‌سازد. شرم والدین و بی‌توجهی آنها ممکن است در شرایطی که آنها به حمایت، حوصله و توجه والدین نیاز دارند به بی‌حوصلگی و بی‌توجهی نسبت به آنها و بروز مشکلات منجر شود [۵۲].

پژوهشی که توسط نجاریان (۱۳۷۴) صورت گرفت معلوم شد که اختلاف خانواده‌های طبقه بالا و پایین اقتصادی در عملکرد کلی خانواده و خرده مقیاس‌های حل مشکل، ابراز عواطف و خرده مقیاس نقش‌ها معنادار بوده است [۸۰]. نتایج تحقیق آزاد ارمکی و دیگران (۱۳۷۹) [۸۱] که به بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی پرداخته بودند، نشان داد که خانواده‌ها در اجرای برخی از آداب و رسوم نظیر ازدواج توانسته است کارکرد خود را حفظ کند اما در اجرای مراسم بعضی از سنتها و ارزشهای حاکم بر خانواده، شبکه خویشاوندی تحت تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته و در نگرش به بعضی از آنها تغییرات مشاهده شده است. این تغییرات در شیوه زندگی و روابط خویشاوندی در خانواده‌های شهری، ناشی از شرایط اجتماعی حاکم بر جوامع شهری

<sup>۱</sup> Felangan & Akles



منجر به ناسازگاری فرزندان و تخریب وضعیت روانی - اجتماعی آنان در آینده شده و علاوه بر خسارات جبران ناپذیر فردی چون به مخاطره افتادن سلامت روانی و فیزیکی فرزندان، موجب صدمات مختلف اجتماعی برای جامعه خواهد بود لذا بررسی دقیق موضوع توسط مسئولین مربوطه در سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با امور خانواده می‌تواند، موجبات بهبود روابط بین فردی را در جامعه فراهم سازد.

۳- پایه‌های اولیه تعاملات اجتماعی مطلوب در نهادهایی چون خانواده شکل خواهد گرفت لذا لازم است خانواده، نسبت به مقوله کشمکش‌های بین فرزندی هوشیار شده و با عنایت به این که این امر در آینده موجبات مشکلات رفتاری در فرزندان آنان را فراهم خواهد ساخت در خصوص نحوه پیشگیری و کاستن از موضوع فوق آموزش داده شوند.

۴- میزان قابل ملاحظه روابط خواهر- برادری نامناسب گزارش شده در پژوهش حاضر مبین آن است که جو روانی موجود در بین خانواده‌های مورد بررسی متشنج و پرتعارض و به زبان دیگر عاری از دوست داشتن حقیقی، اعتماد، هم فکری، اتحاد فکری، ارزش دهی به یکدیگر، محبت و مهربانی بوده و این متغیرها برای خانواده‌ها می‌تواند در کوتاه و بلند مدت مخاطرات متعددی را پدید آورد و قطعاً چنانچه روابط مذکور اصلاح نشود در درجه اول مخاطرات به صحنه جامعه آورده شده و فضای روانی جامعه را آلوده خواهد ساخت و از سوی دیگر این دسته از فرزندان به واسطه فقدان مهارت‌های اجتماعی متناسب هر آینه در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی خواهند بود.

۵- نکته تاسف بار تشدید فشار روانی نامتناسب بر روی خواهران در خانواده‌ها می‌باشد که با عنایت به آسیب پذیری بیش‌تر این گروه می‌تواند در آینده بر سازوکارهای مادر- فرزندی و نیز همسر داری آنان، به صور نامتناسب جلوه گر شود.

۶- مقوله تأسف‌بار و البته قابل پیش‌بینی دیگر، تشدید روابط نامناسب بین خانواده‌های ساکن شهر

خصوص انسان شناسان فرهنگی معتقدند که رفتار افراد از طریق تجربه‌های آن‌ها کسب می‌شود. ارتباط بین موقعیت‌ها، شرایط و رفتارها، بازخودها و ارزشها، از ابتدای زندگی به‌طور تدریجی شکل می‌گیرد این ارتباطات از طریق تقویت، تنبیه و مشاهده رفتار دیگران تدریجاً بوجود آمده و تقویت می‌شوند. اگر این تجربه‌ها به پیدایش الگوهای رفتاری منجر شوند که نوجوان را برای رو به رو شدن با تقاضاها و انتظارات نوجوانی و بزرگسالی آماده سازند، به احتمال زیاد فشارهای نوجوانی و جوانی غیرعادی و شدید نخواهند بود. برای مثال اگر والدین فرزندان خود را در دوره ی کودکی برای استقلال تقویت کرده و این وضع را در دوره نوجوانی نیز ادامه دهند، الگوهای یاد گرفته شده آن‌ها را برای استقلال در دوره بزرگسالی آماده خواهند ساخت اما اگر تجربه‌های دوران کودکی و نوجوانی وابسته بودن به والدین (عدم استقلال) را در آن‌ها ایجاد کرده باشد انتقال به استقلال بسیار مشکل خواهد بود [۵۲].

### پیشنهاد‌های پژوهش

۱- خانواده جزو ضروریات فطری زندگی بشر است و تأثیر عمیقی در شکل‌گیری شخصیت جامعه و سلامت آن دارد. بنا به ماهیت کارکردی خانواده جهت توسعه آرامش اجتماعی، باید اذعان داشت؛ وجود مشکل در خانواده‌ها می‌تواند اثرات سوء اجتماعی داشته باشد زیرا خانواده دچار کشمکش معدن توسعه نابهنجاری و کشمکش‌های اجتماعی است. خانواده مذکور از فطرت خود دور شده و دچار عدم تعادل طبیعی است بر این اساس ضرورت دارد خانواده‌های پرکشمکش شناسایی شوند و توسط سازو کارهای متناسب مورد بررسی و حمایت قرار گیرند زیرا این نابسامانی در خود متوقف نشده و با تسری به فرزندان آنان به طور تصاعدی در جامعه گسترش خواهد یافت و مقابله با گسترش تصاعدی آنان و سایر پیامدهای مبتلا به بسیار پرهزینه‌تر از ایجاد سازوکارهای پیش‌گیرانه اولیه خواهد بود.

۲- کشمکش‌های بین والدین و والدین- فرزندان

[7]Tesla, C. & Dunn, J. (1992). Getting along or getting your own way: The development of young children's use of arguments in conflicts with mother and sibling. *Social Development*, 1, 107-121.

[8]Vandell, D.L. & Bailey, M.D.(1992). Conflicts between siblings. In C.U. Shantz & W.W. Hartup (Eds), *Conflict in child and adolescent development* (pp. 242-269). New York: Cambridge University Press.

[9]Brown, E. R. (1996). Effects of resource availability on children's behavior and conflict management. *Early Education and Development*, 7, 149-166.

[10]Jhanta, C. U. & Hobart, C.J. (1989). Social conflict and development: Peers and siblings. In T.J. Berndt & G.W. Ladd(Eds.), *Peer relationships in child development* (pp. 71-94). New York: Wiley.

[11]Mc Gillicuddy- De Lisi, A.V. (1993). Sibling interactions and children's communicative competency. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 14, 365-383.

[12]Siddiqui, A.A. & Ross, H.S. (1999). How do sibling conflicts end? *Early Education and Development*, 10, 315-332.

[13]Slomkowski, C.L, & Dunr, J. (1992). Arguments and relationships within the family: Defferences in young children's disputes with mother and sibling. *Developmental Psychology*, 28, 916-924.

[14]Selman, R. L. Schorin, M.Z. Stone, C.R. & Phelps, E. (1983). A naturalistic study of children's social understanding. *Developmental Psychology*, 19, 82-102.

[15]Ram, A & Ross, H.S.(2001). Problem solving, contention and struggle: How siblings Resolve a confic of Interests. *Child development*, vol 72, N6, plilo – 1722.

[۱۶] [۱۶]رزاقی، پرویز. (۱۳۷۶). روابط درون خانواده و بهداشت روانی. خلاصه مقالات همایش نقش و جایگاه فرهنگ و هنر در بهداشت روان. تهران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران.

[۱۷] [۱۷]سالاری فرد، محمد رضا. (۱۳۸۱). مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام و مکتب ساخت‌نگر. حوزه و دانشگاه. سال هشتم. شماره ۳۱.

اصفهان به نسبت خانواده‌های ساکن شهرستان‌ها و روستاهای استان می‌باشد به عبارت دیگر زندگی ماشینی و محیط پر مخاطره شهری از فاکتورهای تشدید کننده روابط نامناسب فوق بوده و این نیاز به تلاش سازمان‌های مسئول در استان را نمایان می‌سازد.

۷- اوج فشار روابط مذکور در سنین بیست و سه تا بیست و پنج سال بوده که با عنایت به مقوله‌هایی چون ضرورت اشتغال، تشکیل خانواده، فشارهای تحصیلی، شغلی، انتظارات اجتماعی و غیره قابل پیش‌بینی بوده و لازمه تلاش بیش‌تر ارگان‌های مرتبط و توجیه بیش‌تر خانواده‌ها را در راستای کاهش تعارضات مذکور نمایان می‌سازد.

## منابع

[۱] [۱]افروز، غلامعلی. (۱۳۸۶). روانشناسی خانواده؛ همسران برتر/چاپ نهم. تهران. نشر انجمن اولیاء و مربیان.

[۲] [۲]حمیدی، فریده. غلامعلی افروز. علیرضا کیامنش و کاظم رسول زاده طباطبایی. (۱۳۸۳). بررسی ساخت خانواده دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آن. مجله روانشناسی. شماره ۲. پیاپی ۳۰.

[۳] [۳]رضاییان، حمید. (۱۳۸۳). بررسی الگوهای علی متغیرهای خانواده (مشکلات روانی، رضامندی زناشویی، شیوه فرزندپروری و ادراک خود در نوجوانان دارای اختلال سلوک). رساله دکتری. دانشگاه تهران.

[4]Jimerson, S. Egeland, B. sroufe, A. calson, B.(2000). A prospective longitudinal study of high school droup outs examining mulitple Predictors across development. *Journal of school psychology*, 38, 525-549.

[5]Helwig, C.C. & Jasiobedzka, u.(2001). The Relation between law and morality: children's Reasoning about socially Beneficaial and un just laws. *Child Development*, vo. 72- N 5, P 1382-1393.

[6]Killen, M. & Turiel, E. (1991). Conflict resolution in preschool social interactions. *Early Education and Development*, 2, 240-255.

Premorbid personality mental health and quality of life in chronic regional pain: A causal analysis. *Comprehensive Psychiatry*, 45, 206-212.

[31] Alenso, P., Menchon, I., Mataixols, D., Pifarre, J., Urretaviz, M., & Jimenez, S. (2004). Perceived parental rearing style in obsessive-compulsive disorder: Relation to symptom dimension. *Psychiatry Research*, 127, 267-278.

[۳۲] موسوی، اشرف السادات. (۱۳۷۹). عملکرد نظام خانواده و بهداشت روانی اعضای خانواده. اندیشه و رفتار. سال ششم. شماره ۳۰۲.

[۳۳] گلچین، مه‌ری. (۱۳۸۱). تمایل به پرخشگری در نوجوانان و نقش خانواده. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی قزوین. شماره ۲۱.

[۳۴] میرشریفا، مهدی. ۱۳۸۲. نقش سبزه‌های خانواده در ایجاد کودکان خیابانی. چکیده مقالات همایش امنیت اجتماعی. تهران. معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. اداره کل مطالعات اجتماعی. ص، ۳۲۰ تا ۳۲۲.

[۳۵] نوروزی، وحیده. (۱۳۸۲). تأثیر سبک‌های رفتاری خانواده بر وضعیت روانی دانش‌آموزان و بر نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۶. ص. ۳۱ تا ۵۵.

[۳۶] مجاهد، عزیزا... و بهروز بیرشک. (۱۳۸۲). وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های چند همسری. اندیشه و رفتار. سال نهم. شماره ۳.

[۳۷] کوروش نیا، مریم و مرتضی لطفیان. (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده با میزان اضطراب و افسردگی فرزندان. خانواده پژوهی. سال سوم. شماره ۱۰.

[۳۸] جوکار، بهرام و مهدی رحیمی. (۱۳۸۶). تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان شهر شیراز. مجله علوم روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. سال سیزدهم. شماره ۴.

[۱۸] احمدی، احمد. (۱۳۸۲). روانشناسی نوجوانان و جوانان. اصفهان. مشعل.

[۱۹] الاری فرد، محمدرضا. (۱۳۸۵). خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی. قم. زیتون.

[۲۰] مجلسی، محمداقبر بن محمدتقی. (۱۳۶۲). بحار الانوار (چاپ سوم). بیروت دار احیاء التراث العربی.

[21] Barnett, o.W & Miller, C & Robin, R. (1997). Family violence Across life span. Sage publication.

[۲۲] قائمی، علی. (۱۳۷۴). خانواده و دشواری‌های رفتاری در کودکان. قم. موسسه چاپ الهادی قم.

[۲۳] مسرور شلمانی، آسیه. (۱۳۸۱). روابط درون خانواده و تأثیر آن بر رفتار ناپه‌نجان نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.

[24] Pruitt, D.G. & Carnevale, P.J. (1993). Negotiation in social conflict. Pacific Grove, CA. Brooks/ Cole Publishing Co.

[25] Rinaldi, C. & Howe, N. (1998). Siblings reports of conflict and the quality of their relationships. *Merrill-palmer Quarterly*, 44, 404, 422.

[26] Perlman, M. & Ross, H. S. (1997). The benefits of parent intervention in children's disputes: An examination of concurrent changes in children's fighting styles. *Child Development*, 64, 69-700.

[27] Oneill, D. (1998). Poststructuralist Review of Theoretical literature surrounding wife Abuse. *Violence Against women*, 4, 451-591. walmyr, P & Hudson, w.w. (1992).

[28] Cunningham, A & Jaffe, P.G & Baker, L & Dick, T. (1998). Theory- Driven Explanation of Male violence against female partners: literature update and Related Implications for Treatment and Evaluation. London family court clinic.

[29] Houghton, S. (1989). Parents and children. *Child Development*, 57, 338-347.

[30] Weylung-Fur., linduany-Yi., chingshu-Bih., & yinlee-Fei. (2004). Parental rearing style:

- خانواده. پژوهشنامه علوم انسانی. بهار.
- [۵۰] کرامتی، هادی. علیرضا مرادی و منیژه کاوه. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روانشناختی فرزندان شاهد. فناوری‌های آموزشی. سال یازده. شماره ۴.
- [۵۱] صالحی، سید مهدی. (۱۳۸۰). بررسی رابطه عزت نفس دانشجویان با مشکلات روانی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه تهران.
- [۵۲] شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۴). روانشناسی رشد نوجوان؛ دیدگاهی تحولی. تهران. علم.
- [53] Trent, J. (2001). Family Insights. <http://www.lifeway insights. Com>
- [54] Campbell, J.C.& Lewandowshi, L.A.(1997)./ Mental and physical health effects of intimate partner violence on women and children. *Psychiatric clinics of north America*, 20, 353-374.
- [55] Romelsjo, A, Kaplan , G. cohen, R. Allebech, P. & Andreasson, S. (1992). Protective factors and social risk factors for hospitalization and mortality among youngmen. *American Journal of Epidemiology*, 135, 647-658.
- [56] Wadsworth , M. (1997). Changing social factors and their long- term implications for health. *British Medical Bulletin*, 53-198-206.
- [57] Mauldon, J. (1990). The effect of marital disruption on children's healt. *Demography* , 27. 431-446.
- [58] El- sheikh, M. Harger, J and whitson , S.M.(2001). Exposur to Interparental conflict children's Adjustment and physical Health: The Moderating Role of vageltone. *Child Development*, 72, 1617-1636.
- [59] Katz, L.F. & Guttman, J.M. (1997). Buffering children from marital conflict and dissolution. *Journal of clinical child psychology*, 26, 157-171.
- [۶۰] بروجنی، علی ضرغام. محسن یزدانی و احمدرضا یزدان نیک. (۱۳۸۰). ارتباط الگوی رفتاری والدین با افسردگی و افکار خودکشی در نوجوانان. مجله علوم پزشکی دانشگاه شهرکرد. دوره سوم. نوبت دوم.
- [۳۹] سید موسوی، پریسا سادات، حسین نادعلی و سعید قنبری. (۱۳۸۷) بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و نشانگان برونی سازی شده در کودکان ۹-۷. خانواده پژوهی. سال چهارم. شماره ۱۳.
- [۴۰] سرایی، حسن (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر نمونه گیری در تحقیق. تهران. سمت.
- [41]Hudson, w.w. (1992). The WALMYR Assessment scales scoring manual. Tempe, Az: walmyr publishing co.
- [۴۲] ثنائی، باقر (۱۳۷۹). مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- [۴۳] کجباف، محمد باقر . اصغر آقایی و رویا کاویانی. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و الدین و بروز اختلالات رفتاری دختران. مطالعات زنان. سال دوم. شماره ۴.
- [۴۴] حقیقت دوست، زهرا. (۱۳۸۱). عوامل زمینه ساز فرار دختران از خانه. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال سوم. شماره ۱۳.
- [۴۵] بیکرستان، عباسعلی. (۱۳۸۰). بررسی عملکرد خانوادگی خانواده‌های دارای دختر نوجوان فراری و خانواده‌های دارای نوجوانان عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- [۴۶] حقیقی، جمال. حسین شکر کن و مژگان موسوی. (۱۳۸۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش‌آموزان دختر پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره سوم. سال نهم. شماره‌های ۱ و ۲.
- [۴۷] اسماعیلی، رضا و کامران ربیعی. (۱۳۸۷). سنجش نیازهای فرهنگی - اجتماعی دختران دانش‌آموزان شهر اصفهان. مطالعات راهبردی زنان. پاییز.
- [۴۸] قمی، عباس. (۱۳۶۳). سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثر. تهران. انتشارات کتابخانه سنائی.
- [۴۹] چلبی، مسعود و توران روزبهانی. (۱۳۸۰). نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان با تاکید بر نظم در

- [۷۱] دانش آموز، بدری و ثریا راشد. (۱۳۷۴). رابطه ترتیب تولد و بعد خانواده با اسکیزوفرنیا در ایران. اندیشه و رفتار. سال دوم. شماره ۳.
- [۷۲] مزرعه فرد، اسماعیل و بهروز پسندیده. (۱۳۷۴). تأثیر تربیت تولد فرزندان در خانواده بر عزت نفس آنان در پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز. پایان نامه دوره کارشناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- [۷۳] افروز، غلامعلی و علی اکبر ارجمندینا. (۱۳۸۶). بررسی رابطه ترتیب و زمان تولد با شیوع آسیب‌های جسمی، ذهنی و حسی - حرکتی در کودکان و نوجوانان. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. شماره ۴.
- [۷۴] طبرسی، حسین بن فضل. (۱۳۵۱). مکارم الاخلاق. بیروت. موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- [۷۵] کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۵۰). الکافی. تهران. نشر دارالکتب الاسلامیه.
- [۷۶] غلیوردی‌نیا، اکبر. محمود شارع‌پور و مهدی ورمزبار. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی خانواده‌ها بزهکاری. مجله پژوهش زنان. دوره ۶ شماره ۲. صص ۱۳۲-۱۰۷.
- [۷۷] گلچین، مه‌ری. محمود نصیری. بدرالدین نجمی و نصرالله بشر دوست. (۱۳۸۰). ارتباط عملکرد خانواده با برخی ویژگی‌های روانی نوجوانان دختر و پسر. پژوهش در علوم پزشکی. سال ششم. شماره ۴.
- [۷۸] سفیری، خدیجه و مهناز جزایری. (۱۳۸۴). روابط خانوادگی و کنش مبتنی بر دل‌بستگی عاطفی تعمیم یافته در جوانان. مجله جامعه‌شناسی ایران. بهار.
- [۷۹] طهماسبیان، کارینه و لادن فتی. (۱۳۸۵). نقش تحصیلات والدین در خود اترمندی دختران و پسران نوجوان. خانواده پژوهی. سال دوم. شماره ۸.
- [۸۰] دیباج‌نیا، پروین. (۱۳۸۳). بررسی رابطه کارایی خانواده و خودپنداره در دانشجویان دانش‌کده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی طی سال ۱۳۸۱. مجله علوم پزشکی شهید بهشتی. سال نهم. شماره ۴۰.
- [۶۱] مهدوی، محمدصادق و طاهره میرساردو. (۱۳۸۱). تأثیر فقدان پدر بر خانواده: مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر فوت پدر بر آسیبهای اجتماعی نوجوانان. پژوهشنامه علوم انسانی (ویژه جامعه‌شناسی).
- [۶۲] احدی، بتول، الهه حجازی و احمد به‌پژوه. (۱۳۸۳). رضامندی زناشویی، ابراز هیجان والدین و مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان. مجله روانشناسی. بهار.
- [63] Webster- Stratton, C. and Dahl, R.W. (1995). Conduct Disorder. In M. Hersen & R. T. Ammerman (Eds). New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- [64] Steiner, H. (2000). Disruptive Behavior Disorder. In B.J.Sadock, V. A.Sadock (Eds). Comprehensive Textbook of Psychiatry. Baltimore: Williams and Wilkins.
- [65] Mc Cracken, J.T. (2000). Attention Deficit and Hyperactivity Syndrome. In B.J.Sadock, V. A.Sadock (Eds). Comprehensive Textbook of Psychiatry. Baltimore: Williams and Wilkins.
- [66] Handeren, R. L. and Mullen, D. O. (1997). Conduct Disorder in Childhood. In J.M. Wiener(Ed). Text Book of Child and Adolescent Psychiatry. Washington. D. C: American Psychiatry Press. Inc.
- [۶۷] توکلی زاده، جهانشیر. (۱۳۷۵). همه‌گیرشناسی اختلال‌های رفتار ایذایی و کمبود توجه در دانش‌آموزان دبستانی شهر گناباد. پایان نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روانپزشکی تهران.
- [۶۸] ایرانپور، چنگیز. (۱۳۷۹). بررسی مقایسه‌ای اختلال‌های رفتاری بین خانواده‌های پر اولاد و کم اولاد. چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی و اختلال‌های رفتاری کودکان و نوجوانان. زنجان. ۲۹-۲۷ مهرماه.
- [۶۹] یوسفی، فایق. (۱۳۷۹). بررسی شیوع اختلال‌های سلوک و نافرمانی در دانش‌آموزان راهنمایی استان کردستان. فصلنامه اندیشه و رفتار. سال ششم. شماره ۳ و ۲.
- [۷۰] جس فیست و گریگوری جی فیست. (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت (چاپ سوم). ترجمه ی یحیی سید محمدی. تهران. نشر روان.

[۸۲] اکبری، ابولقاسم. (۱۳۸۱). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران. ساوالان

[۸۱] آزادارمکی، تقی. مهناز زند و طاهره خزایی. (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی. پژوهش نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۶.